



تأسیس علم اجتهاد توسط امام باقر(ع)/ تحکیم بنیادهای تفکر شیعی

پیش از دوران امام باقر(ع)، خفقان سیاسی به اندازه‌ای بود که در برخی از ادوار انتقال آموزه‌های ناب اسلامی فقط از طریق دعا و یا در قالب آموزش‌های دینی به چند پیشکار و خدمتگذار که با امام حشر و نشر داشتند، صورت می‌گرفت اما، امام باقر با درایت تمام توانست شکافی را که در گذر سال‌های متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارند.

پیش از دوران امام باقر(ع)، خفقان سیاسی به اندازه‌ای بود که در برخی از ادوار انتقال آموزه‌های ناب اسلامی فقط از طریق دعا و یا در قالب آموزش‌های دینی به چند پیشکار و خدمتگذار که با امام حشر و نشر داشتند، صورت می‌گرفت اما، امام باقر با درایت تمام توانست شکافی را که در گذر سال‌های متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، امام پنجم شیعیان محمد بن علی ملقب به «باقرالعلوم» و مکنی به «ابو جعفر» به روایتی در اول ماه رجب و به نقلی دیگر در روز جمعه سوم ماه صفر سال 57 هجری قمری در مدینه به دنیا آمد. مادرش گرامی اش «فاطمه» دختر امام حسن مجتبی (ع) و پدرش حضرت سیدالساجدین، امام زین العابدین، علی بن الحسین (ع) است.

در واقعه جانگداز کربلا همراه پدر و در کنار جدش حضرت سید الشهداء(ع) کودکی بود که به چهارمین بهار زندگیش نزدیک می شد. دوران امامت امام محمد باقر (ع) از سال 95 هجری که سال شهادت امام زین العابدین (ع) است آغاز شد و تا سال 114 هجری یعنی مدت 19 سال و چند ماه ادامه داشته است.

نگاهی به اوضاع فرهنگی - اجتماعی جامعه

امام باقر (ع) در دوره‌ای امامت خویش را آغاز کرد که جامعه اسلامی در وضع فرهنگی نا به سامانی به سر می‌برد و عرصه فرهنگی جامعه گرفتار چالش‌های عمیق عقیدتی و درگیری‌های مختلف فقهی میان فرق اسلامی شده بود. فروکش کردن تنش‌های سیاسی پس از واقعه عاشورای سال 61 هجری، همچنین شکست برخی احزاب سیاسی مانند «عبدالله بن زبیر» سبب یکپارچگی حاکمیت بنی امیه شده بود و ناگزیر، بسیاری از دانشمندان از صحنه سیاسی دور شده بودند و حرکت گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف علمی با بحث و بررسی درباره مسایل گوناگون آغاز شده بود.

این رویکرد گسترده به مسایل فقهی و بحث تبادل نظرهای علمی در این برهه و پیدایش مکتب‌ها و سبک‌های مختلف علمی پس از مدت‌ها رکود، رونق فراوانی به بازار علم بخشید و به واقع نقش درخشان امام در این دوره در روشن سازی افکار عمومی دانشمندان اسلامی و به ویژه خردورزان شیعه بسیار دارای اهمیت و برتری است. با ظهور امام باقر(ع)، گام مهم و به سزایی در راستای تبیین آراء شیعه برداشته شد و جنبش تحسین برانگیزی در میان دانشمندان شیعی پدید آمد.

از سوی دیگر، خطر افکار آلوده یهود و سیطره نظریات فرقه مرجئه، جبریه، قدریه، غلات و... حیات فکری شیعه را با خطر روبه‌رو کرده بود که به راستی مرجعیت علمی شایسته‌ای چون امام باقر(ع)، تفکرات خطرناک این فرقه‌ها را تا حد قابل توجهی منزوی ساخت که آراء و نظرات آنها و نیز موضع‌گیری امام در برابر هر یک، به گونه‌ای گسترده‌تر بررسی خواهد شد.

برای مقابله با چنین انحرافات که جامعه اسلامی دچار آن شده بود، امام محمد باقر (ع) و پس از وی امام جعفر صادق (ع) از موقعیت مساعد روزگار سیاسی، برای نشر تعلیمات اصیل اسلامی و معارف حقه بهره جستند و دانشگاه تشیع و علوم اسلامی را پایه ریزی نمودند و بدین ترتیب محضر امام باقر(ع) مرکز تجمع علماء و دانشمندان و راویان حدیث و خطیبان و شاعران بنام بود.

مدت 20 سال معاویه در شام و کارگزارانش در مرزهای دیگر اسلامی در واژگون جلوه دادن حقایق اسلامی - با زور و زر و تزویر و اجیر کردن عالمان خود فروخته - کوشش بسیار کردند، اما حضرت سجاد (ع) و فرزند ارجمندش امام محمد باقر (ع) پس از واقعه جانگداز کربلا و ستمهای بی سابقه آل ابوسفیان، که مردم به حقانیت اهل بیت عصمت (ع) توجه کردند، در اصلاح عقاید مردم به ویژه در مسأله امامت و رهبری، که تنها شایسته امام معصوم است، سعی بلیغ کردند و معارف حقه اسلامی را - در جهات مختلف - به مردم تعلیم دادند تا کار نشر فقه و احکام اسلام به جایی رسید که فرزند گرامی آن امام، حضرت امام جعفر صادق (ع) دانشگاهی با 4 هزار شاگرد پایه گذاری نمود و احادیث و تعلیمات اسلامی را در اکناف و اطراف جهان آن روز اسلام انتشار داد.

امام با برقراری حوزه درس، با کج‌اندیشی‌ها، زدودن چالش‌های علمی، تحکیم مبانی معارف و اصول ناب اسلامی با تکیه بر آیات رهنمون‌گر قرآن مبارزه کرد و تمام ابواب فقهی و اعتقادی را از دیدگاه قرآن بررسی کرد و به پرورش دانشمندان و فرهیختگان عصر خود و جنبش بزرگ علمی کمر بست؛ به گونه‌ای که دانشمندی چون «؛جابر بن یزید جعفی» هر گاه می‌خواست سخنی در باب علم به میان آورد - با آن توشه‌ای که از دانش داشت - می‌گفت: «؛جانشین خدا و میراث‌دار دانش پیامبران محمد بن علی(ع) برایم این‌گونه گفت» و به دلیل ناچیز دیدن موقعیت علمی خود در برابر جایگاه امام، از خود نظری به میان نمی‌آورد.

تحکیم بنیادهای تفکر شیعی

در آن روزگار، بسیاری از شیعیان به مراتب عالی تشیع دست نیافته بودند و دسته‌ای از آنان در کنار استفاده از احادیث اهل سنت، علاقه زیادی به فراگیری و بهره‌مندی از دانش امام نیز نشان می‌دادند. آن گونه که از کتاب‌های رجالی فهمیده می‌شود، نام بسیاری از اشخاصی که رابطه تنگاتنگی با امام داشته‌اند، جزو اصحاب او نیست. همین موضوع می‌توانست تا اندازه‌ای اندیشه شیعه را سست کند؛ چه بسا امکان اختلاط آموزه‌های دیگری با آن قسمت از معارفی که آنان از امام می‌آموختند وجود داشت. امام باقر(ع) نیز مانند دیگر امامان شیعه، برای تحکیم پایه‌های اندیشه شیعه بسیار کوشید و امامت شیعه را به خوبی برای همگان معرفی کرد.

امام با تکیه بر قرآن، رهبری شیعه و تقویت مبانی پیروی از آن را معرفی می‌کرد و می‌کوشید تا امامت را نیز مانند نبوت، امری الهی و مبتنی بر قرآن تبیین کند. بازتاب دیدگاه امام در مورد رهبری شیعه بر احادیث نبوی که بر شباهت و قرابت میان پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین (ع) تأکید می‌کرده در بحث‌های کلامی ایشان انعکاس فراوانی دارد. او با بیان اینکه امام، دارای صفاتی ذاتی - مانند عصمت و علم - است، در نظر داشت رویکرد جدی‌تری به موضوع امامت داشته باشد. دیدگاه‌های ایشان درباره این موضوع، تأثیر ویژه‌ای بر مردم گذاشت و بسیاری از تهدیدها و خطرات را از تفکر شیعی دور کرد و سبب شد با وجود عقاید گوناگونی که در آن زمان درباره مرجعیت وجود داشت، تعداد گرایندگان به این مکتب رو به فزونی گذارد.

پرورش فرهیختگان و دانشوران بسیار

امام باقر(ع)، دانشمندان برجسته‌ای را در رشته‌های گوناگون معارف چون فقه، حدیث، تفسیر و دیگر شاخه‌های علوم اسلامی تربیت کرد که هر یک وزنه‌ای در دانش به شمار می‌رفتند. امام با درایت و هوشیاری تمام توانست شکافی را که در گذر سال‌های متمادی بین قرآن و عترت در باورهای دینی بخش عظیمی از مردم پدید آمده بود، از میان بردارد. پیش از دوران امامت امام باقر(ع)، خفقان سیاسی به اندازه‌ای بود که در برخی از ادوار انتقال آموزه‌های ناب اسلامی فقط از طریق دعا و نیایش و یا در قالب آموزش‌های دینی به چند پیشکار و خدمتگزار که با امام حشر و نشر داشتند، صورت می‌گرفت.

در این میان، عصر امام باقر(ع) به دلیل وجود شرایط سیاسی خاص اوضاع حاکم، تا اندازه‌ای به امام اجازه برقراری مجامع علمی داد تا ایشان بتواند استعداد های نهفته‌ای را که در جامعه اسلامی وجود داشت تربیت کند؛ با این همه، نباید تصور کرد که امام هیچ‌گونه محدودیتی در این راستا نداشته؛ بلکه با رعایت تقیه و پنهان‌کاری و عدم برانگیختن حساسیت دستگاه، این معنا را عملی کرده و با وجود تنگناهای خاص سیاسی و فرهنگی توانست افراد زیادی - بالغ بر 462 نفر - را با آموزش‌ها و تعلیم ناب خویش پرورش دهد که نام یکایک آنها در دست است که زرارۀ بن‌اعین، محمد بن مسلم ثقفی، بُرید بن معاویه عجلّی، ابوبصیر، لیث بن البختری مرادی و... از جمله این افراد به شمار می‌روند.

پی‌ریزی تدوین حدیث

در پی انحرافات عمیقی که پس از رحلت رسول اکرم(ص) به وجود آمد، رخداد تأسف برانگیزی دامن‌گیر جهان اسلام شد و آن جلوگیری از تدوین احادیث اهل بیت علیهم السلام بود که آثار زیان‌بار آن سالیان دراز بر پیشانی فرهنگ دینی مردم باقی ماند. نزدیک به یک قرن از نگاشتن و محفوظ داشتن احادیث نبوی(ص) و سخنان تابناک اهل بیت: جلوگیری شدید به عمل آمد و به جای آن سیل عظیمی از تحریفات در زمینه احادیث نبوی(ص) و جعل آنها به فرهنگ و اعتقاد مردم روی آورد که به «؛اسرائیلیات» شهرت یافت؛ تا سال 100 هجری که «؛عمر بن عبدالعزیز» فرمان تدوین احادیث را به «؛ابوبکر بن محمد انصاری» صادر کرد. او که از رجال و بزرگان تابعین به شمار می‌رفت و از اصحاب علی(ع) شمرده می‌شد، به بازگرداندن فدک به اهل بیت علیهم السلام و تدوین حدیث کمر بست.

امام باقر(ع) از این فرصت استثنایی کمال بهره را برد و بیان احادیث را آغاز کرد و راویان مختلف از ایشان ده‌ها هزار حدیث نقل کردند. در واقع، امام باقر(ع) نماینده مکتب اهل بیت علیهم السلام و نخستین سر و سامان دهنده احادیث تابناک معصومین علیهم السلام بود. از این رو، بسیاری از محدثین وقت با دیدن تلاش‌های بی‌دریغ امام، کمر به نگاشتن و نگاهداری سخنان امام بستند و بدین سبب، بیشتر احادیث اهل بیت علیهم السلام، از امام باقر(ع) و امام صادق(ع) است.

بنیانگذاری اجتهاد

یکی از شاخه‌های بزرگ علوم اسلام «؛علم اصول» است که با بهره‌گیری از آن احکام شرعی را از ادله شرعیه استخراج می‌کنند. از این رو، اجتهاد متوقف بر آن است و مجتهد برای استنباط احکام شرعی به آن نیاز مبرم دارد و ملکه اجتهاد برای او حاصل نمی‌شود، مگر اینکه به تمامی بحث‌های آن آشنایی کامل داشته باشد. تمامی دانشمندان شیعی بر این باورند که امام باقر(ع)، نخستین کسی بود که این علم را تأسیس کرد و قواعد آن را به وجود آورد و بدین وسیله دروازه اجتهاد را به روی دانشمندان اسلامی گشود.

اما هنگامی که امام باقر(ع) باب اجتهاد را به روی دانشمندان گشود، عده‌ای با اتخاذ برخی شیوه‌های نادرست در اجتهاد، مانند «؛قیاس» و «؛استحسان» استنباط احکام شرعی را با خطری جدی روبه‌رو کردند. آنان با قوانینی این گونه، گاه به مخالفت با نص کتاب و سنت و سیره رسول خدا(ص) برخاستند. از این دانشمندان، می‌توان از «؛نعمان بن ثابت» نام برد که به نام «؛ابو حنیفه» شهرت یافت. او فتاوی عجیب و قیاساتی را وارد کرد و بر پایه گمان و سلیقه خود فتاوایی داد که این فتاوی اکنون در دست است. از دیگر این افراد می‌توان از «؛سفیان بن سعید بن مسروق» مشهور به «؛سفیان ثوری» نام برد که برخی نیز او را از اطرافیان امام صادق(ع) ذکر کرده‌اند. از او نیز روایاتی در دست است که دلالت بر کژاندیشی او دارد و به همین دلیل

هر چند سیاست جلوگیری از تدوین احادیث نبوی(ص) با شعار «#کافی بودن قرآن» پیش می‌رفت، اما از عمل به قرآن خبری نبود و فقط از آن به صورت ابزاری برای جلوگیری از نشر معارف اهل بیت علیهم السلام و زنده شدن نام آنها استفاده می‌شد. کتاب خدا به ابزاری برای دستیابی به اغراض سیاسی و سرکوبی پیروان اهل بیت علیهم السلام با تأویل و تفسیر به رأی، به ابزار سرکوبی مخالفین تبدیل شده و در واقع، قرآن در انزوای شدید بود.

امام باقر(ع) در جایگاه بهترین مفسر قرآن با بازگو کردن تفسیر درست آیات، بسیاری از ابهام‌ها را زدود و مشت مخالفین و سودجویان را باز کرد. او همواره برای به اثبات رسانیدن مدّعاهای خود از آیات قرآن بهره می‌جست و کلام خدا را گواه بر سخن خویش می‌گرفت و البته امام کتابی در تفسیر قرآن نگاشت که «#زیاد بن منذر» و بسیاری از بزرگان چون «#ابو بصیر» از آن روایت کردند.

نیایش؛ کانون ترویج آموزه‌های دینی

یکی از فعالیت‌های بارز امامان در زمینه نشر تعالیم دینی و آموزه‌های بلند عرفانی، بهره‌گیری از زبان نیایش برای اشاعه فرهنگ ارتباط با خدا در تمامی حالات زندگی است. آنان در هنگامی که جامعه را امواج متلاطم فساد و تباهی، زورگویی و زر سالاری و خفقان و اسلام ستیزی در نوردیده بود، با خدای خویش راز و نیاز می‌کردند و برای بیان بخشی از عقاید و فرهنگ اسلامی از دعا بهره می‌گرفتند و در سنگر دعا، مردم را به توجه بیشتر به پروردگار و مبارزه با زورگویان فرا می‌خواندند.

هر چند مقصود اصلی آنان در این نیایش، بندگی و پرستش خدای بزرگ بود، با توجه به تعبیری که در نیایش آنها وجود دارد از لابه‌لای آن، مفاهیمی چون خلافت اهل بیت علیهم السلام، عدم سکوت در برابر ظلم و... را نیز می‌توان دریافت.

در بیشتر ادعیه، جمله صلوات بر محمد و آل محمد(ص) به چشم می‌خورد و این در حالی است که دشنام به اهل بیت علیهم السلام به ویژه امیرالمؤمنین(ع) سکه رایج حکمرانان وقت شده و آیات خدا به دست فراموشی سپرده شده بود. امام باقر(ع) در نیایشی برای دریافت خواسته‌های خود از خدا، چنین می‌فرماید:

«#... پروردگارا، تو را به تمامی نام‌هایت می‌خوانم که آنها را خود نامیدی و یا در کتابت فرو فرستادی و یا آنها را بر برخی از بندگان فرا آموختی که بر محمد(ص) و خاندان او درود فرستی و قرآن را بهار قلبم قرار دهی و آن را نور چشمم و وسیله از بین بردن غم‌هایم قرار دهی...». همچنین امام در دیگر دعا‌های خود افزون بر این مسایل، اعتقادات درست اسلامی را در زمینه یگانه‌پرستی، خدا محوری، رسالت، بازگشت به سوی خدا، وسوسه‌های شیطان و... نیز بیان می‌کردند.